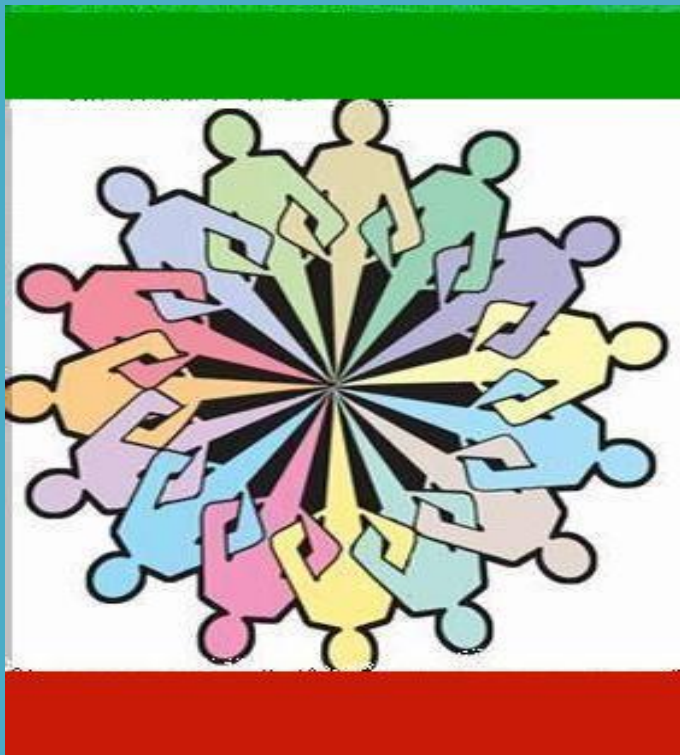




تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در نظام شهری کشور



مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی
معاونت پژوهشی

بیان مساله

امروزه کلانشهرها در همه کشورها عرصه ظهور انواع مشکلات از آلودگی هوا و ترافیک و مسائل زیست-محیطی تا انواع ناهنجاریهای فیزیکی- کالبدی، حاشیه‌نشینی و... هستند. از طرف دیگر مسائلی چون عدم رضایت شهروندان، عدم خدمات‌رسانی عادلانه، سهم نکردن شهروندان در امور شهر و مسائلی از این قبیل گریبانگیر آنهاست. در این میان کشورهای توسعه نیافته از شرایط خاصی برخوردار بوده و دامنه مشکلات یاد شده در آنها بسیار گسترده‌تر است. ریشه بسیاری از مشکلات موجود به نوع تفکر حاکم بر سیستم مدیریتی آنها در سطح ملی و به تبع آن در سطح محلی برمی‌گردد. چرا که نمود نوع تفکر در برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های ارائه شده توسط مراجع مسئول تبلور می‌یابد. بنابراین شناخت این امر مهم بسیاری از کشورها را بر آن داشته است تا با طراحی نمودن یک سیستم مدیریتی شهری مدون و تلاش در راه عملیاتی نمودن آن، مشکلات موجود خود را حل نمایند. براین اساس در میان رویکردهای گوناگون مطرح شده در عرصه مدیریت شهری، حکمروایی خوب شهری «Urban Good Governance» از مطرح‌ترین رویکردها می‌باشد، که در آن به فرآیند مدیریت امور شهری با تشریح مساعی تمامی کنشگران عرصه شهر اعم از بخش دولتی، خصوصی و عمومی، خصوصاً نهادهای غیردولتی پرداخته می‌شود. و با مؤلفه‌هایی چون مشارکت، قانونمندی، شفافیت، پاسخگویی و ... شناخته و اندازه‌گیری می‌شود.

تحقیقات انجام شده درباره مشکلات کلانشهرهای ایران بیانگر آن است که مشکلات گوناگون همچون عدم شفافیت و اطلاع‌رسانی، عدم عدالت؛ عدم پاسخ‌گویی و عدم رضایت‌مندی شهروندان است، از سوی دیگر امروزه مدیران شهرها نیز با انواع مشکلات مدیریتی مواجه می‌باشند و اغلب مورد اعتراض مسئولان رده بالا و شهروندان قرار می‌گیرند. کنشگران شهری که شامل عناصر حکومتی، خصوصی و عمومی می‌باشد، هر کدام در صورت امکان در پی بیشینه ساختن میزان قدرت و نفوذ خود در جامعه هستند. بر حسب میزان قدرت و نفوذ این عناصر می‌توان دو رویکرد حکومت شهری و حکمروایی شهری را تشخیص داد. الگوی حکمروایی شهری یک فرم جدید از حاکمیت شهری است که پاسخگویی ضرورت تعادل چند وجهی میان عناصر و نیروهای متکثر در جهت پایداری توسعه و شهروندمداری است. ناکامی‌های اجرای برنامه‌های توسعه از بالا به پایین و آمرانه که نگاهی یکسویه به شهر، شهروندان و آینده داشتند نیز شکاف و جدایی که بین مردم و تصمیم‌گیران

سیاسی و اقتصادی در مدیریت های ملی و محلی وجود داشت زمینه طرح ایده حکمروایی خوب را بوجود آورد (ترابی، 1383: 6).

بنابراین جهت فائق آمدن بر مشکلات شهری و افزایش رضایت‌مندی شهروندان و ایجاد محیطی متناسب با جایگاه انسانی، رویکرد حکمروایی خوب شهری مورد توجه جدی برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است. در این رویکرد به فرآیند مدیریت امور شهری با تشریح مساعی تمامی کنشگران عرصه شهر اعم از بخش دولتی، خصوصی و عمومی، خصوصا نهادهای غیردولتی پرداخته می‌شود. و با مؤلفه‌هایی چون مشارکت، قانونمندی، شفافیت، پاسخگویی و ... شناخته و اندازه‌گیری می‌شود.

حکمروایی شهری فرایندی است چند جانبه میان کنشگران رسمی اداره شهر از یک طرف و نیز فعالان عرصه مدنی به عنوان کنشگران غیر رسمی که تعاملات چند وجهی آنها می‌تواند به سازگاری منافع گوناگون در بین کنشگران منجر شود. **آنچه در این مفهوم باز نمود دارد همانا وارد شدن جامعه مدنی و نیز بخش خصوصی به فرایند برنامه ریزی و اداره امور (شهری) است.** این در حالی است که حکومت، مجموعه ای از نهادهای رسمی و حقوقی با قدرت قانونی است. (برک پور، 1386: 495-496)؛ در این مجموعه بخش خصوصی و مردمی جایگاه تعریف شده‌ای ندارند. حکمروایی شهری، پیش شرطی برای توسعه پایدار است. چرا که عدم تمرکز، مدیریت منابع محدود، مشارکت همگانی، شراکت بین شهر، دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی، ابزارهای اصلی نبرد شهرها برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و پایداری توسعه هستند؛ و اینها همگی مستلزم استقرار مدل حکمروایی شهری است. (کاظمیان، 1383: 14). در مقابل حکمروایی شهری، حکومت شهری مطرح می‌شود. در حکومت شهری بحث از دولت و رابطه آن با نهادهای رسمی و شهرداری‌ها است و بر روابط عمودی بین آنها تأکید دارد.

ضرورت حکمروایی خوب

یک محیط شهری پیچیده، پویا و متنوع نیازمند ظرفیت مدیریت قابل توجهی است که به نظر می‌رسد حکمروایی شهری قابلیت فراهم کردن آن را دارد. (لاله پور، 1386: 63). الگوی حکمروایی خوب در زمان حاضر در مجامع بین‌المللی و محافل کارشناسی تنها راه خروج از بن‌بست فقر و توسعه نیافتگی شهرها تلقی

می‌شود و مدیریت شهری گریز و گزیری از اجرای آن ندارد، زیرا اثربخش‌ترین، کم هزینه ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت است. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی که کشورهای جهانی را دو مفهوم «سرعت» و «تغییر» احاطه کرده و از طرفی با توجه به مشکلات بسیاری که در شهرها وجود دارد، جهت فائق آمدن بر مشکلات موجود و گریز از تأثیرات منفی عصر جدید (که در صورت عدم تطبیق با شرایط روز حاصل می‌شود) چاره‌ای جز روی آوردن به رویکردهای پذیرفته شده‌ای همچون «حکمرایی خوب» نباشد. چرا که برای رسیدن به توسعه پایدار انسانی باید توصیه‌های این رویکرد را به اجرا درآورد. از سوی دیگر در عصری زندگی می‌کنیم که عصر سرعت است و تکنولوژی اطلاعات سبب تغییرات بسیاری در همه زمینه‌ها شده است. عصری که هیچ کشوری نمی‌تواند اذعان کند که از هجوم آن و به بیان دیگر از تأثیرات آن به دور است. امروزه تغییرات زیادی در عرصه‌های مختلف زندگی انسان‌ها رخ داده است که فن‌آوری اطلاعات باعث گسترش سریع آن گردیده است. یکی از این تغییرات که در حوزه مسائل اجتماعی - سیاسی جای می‌گیرد، اشتیاق فزاینده «دموکراسی خواهی» است. این اشتیاق با افزایش آگاهی مردم و آشنایی آنان با حقوق‌شان نیازهای جدیدی را خصوصاً در عرصه مدیریت شهری ایجاد کرده است. مدیریتی که خاص شرایط پیچیده و متغیر کنونی است. (اسدی، 1388: 41)

در سال 2000 میلادی با حضور سران کشورهای مختلف دنیا، اهداف توسعه هزاره (MDGs) به عنوان مجموعه‌ای از اهداف در مورد متغیرهای خاص توسعه انسانی در منشور هزاره مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. کشور جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از امضاء کنندگان این منشور متعهد گردیده است که تا سال 2015 میلادی به این اهداف نائل آید. (برادران شرکاء، 1386: 1)

دستیابی به اهداف توسعه‌ای هزاره مستلزم یک چارچوب سیاستی جامع، منابع کافی و ظرفیت نهادی است. همه این موارد از مسائل مهم حکمرانی در اقتصاد و سیاست هستند و لذا دستیابی به اهداف توسعه‌ای هزاره، ارتباط ویژه‌ای با حکمرانی خوب دارد. دستیابی به اهداف توسعه‌ای هزاره نیازمند تقویت رشد به ویژه در جهت حمایت از فقرا و رشد اعتماد و شفافیت است. اینها اهداف اولیه حکمرانی اقتصادی هستند. حکمرانی سیاسی علاوه بر بهبود اعتماد و شفافیت، تلاش دارد تا به مردم به ویژه افرادی که آسیب پذیر هستند، قدرت دهد، آنها را در تصمیم‌گیری‌های دولت مشارکت دهد و دسترسی به امکانات به ویژه برای افراد به حاشیه رانده شده را فراهم سازد. (همان: 15-16) **براین اساس شکل‌گیری دفاتر شورای محلات می‌تواند کمک موثری از حضور مردم در سطح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری باشد.**

امروزه در اغلب کشورها با بازتعریفی از نقش دولت‌ها در رابطه با اداره امور داخلی‌شان مواجه می‌شویم. تغییری مفهومی و محتوایی، تغییر از نقش دانای کل داشتن دولت به داشتن نقشی دانایی محور، تغییر از دیدگاهی آمرانه و قهری به دیدی مسالمت‌آمیز و عادلانه. این تغییر تحت تأثیر آنچه فن آوری اطلاعات نامیده می‌شود و نیز فرایندی به نام جهانی شدن رخ داده است. فرایندی که در خود «فشرده‌گی زمان و مکان» را به همراه داشته است. این دگرذیسی‌ها با تغییرات شگرفی در آگاهی شهروندان از حقوق‌شان و انتظاراتشان از دولت ملی تا حکومت محلی همراه بوده است. لذا مفاهیم جدیدی به منصف ظهور می‌رسند که تا به حال نقش خاصی در ادبیات سیاسی و اداری ایفا نمی‌کردند. مفاهیمی همچون شفافیت اطلاعاتی، قانونمندی، مشارکت، مقتدرسازی و نظریاتی همچون حکمروایی خوب که از مفاهیم نوینی است که برخاسته از دموکراسی خواهی رو به پیشرفت در سرتاسر گیتی است.

حکمروایی شهری در پی آن است تا نقش دولت را در حد هماهنگ کننده و پاسدار قوانین محدود کند و از دخالت مستقیم آن در تصمیم‌گیری‌ها، اداره و اجرای امور مربوط به زندگی روزمره مردم بکاهد. (جهانشاهی، 1386: 4) حکومت شهری در حوزه حاکمیت سیاسی قرار دارد و به دلیل اینکه مدیریت شهری چارچوب اجرایی دارد، در صورت وجود حاکمیت شهری، مدیریت شهری زیرمجموعه آن تلقی می‌شود. (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام: 2)

بنابراین «تعدد و تکثر بازیگران و نیروهای موثر در حیات کلانشهری و ضرورت همگرایی و هم‌سوئی آنها در یک چارچوب مبتنی بر دموکراسی منطقه‌ای و عدالت فضایی را می‌توان مهمترین استدلال ضرورت استقرار مدل حکمروایی شهری و جایگزینی آن به جای حکومت شهری دانست». (پرهیزگار و کاظمیان، 1384: 40)

در صورت استقرار مدل حکمروایی خوب شهری، انتظار می‌رود بهره‌گیری از فضا و خدمت‌رسانی به شهروندان بر مبنای تعامل و تعادل نیروهای دولتی، خصوصی و مردمی انجام گیرد. برآیند این تعامل باعث تعادل و همگرایی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و حرکت در راستای توسعه پایدار خواهد شد.

برنامه توسعه ملل متحد نیز ویژگی‌هایی را برای حکمروایی خوب معرفی کرده که عبارتند از:

- مشارکتی
- پایداری
- قانونی و پذیرفتنی

- توانایی برای توسعه منابع و روشهای حکمروایی

- بالابردن تعادل جنسی

- تحمل کردن و پذیرفتن خطوط فکریهای مختلف

- توانایی در به حرکت در آوردن منابع برای اهداف اجتماعی

- تقویت مکانیسمهای بومی

- عمل کردن بر اساس حاکمیت قانون

- کارآمدی و موثر در استفاده از منابع

- بوجود آوردن و کنترل علایق و اطمینان

- پاسخگویی

- توانایی برای تعریف و مالکیت راه‌حل‌های ملی

- توانایی و تسهیل کنندگی

- نظم دهندگی بیشتر از کنترل

- توانایی رسیدگی به موضوعات دنیوی و غیر روحانی و خدمات‌گرایی

از طرف دیگر ابعاد کلیدی برای حکمروایی توسط بانک جهانی اینگونه معرفی شده اند:

1- مدیریت بخش عمومی

2- پاسخگویی

3- چارچوب قانونی برای توسعه

4- شفافیت اطلاعات (Abdellatif: 2003)

با توجه به شاخص‌هایی که از سوی محققان یا نهادهای مختلف ارائه شده مدل‌های حکمروایی ارائه شده است

از جمله: «ژان پیرمن چهار مدل حکمرانی ارائه داده است:

1- مدل مدیریتی¹: بازیگران اصلی نه سیاستمداران بلکه مدیران سازمان‌های تولیدکننده و توزیع کننده خدمات عمومی هستند.

2- مدل شرکت‌گرا²: سه طرف اصلی وجود دارد که شامل اتحادیه‌های کارگری، کارفرمایان و دولت می‌باشد.

3- مدل حکمرانی طرفدار رشد³: آن چه اهمیت دارد توافق بین قدرت‌های اقتصادی و سیاسی به منظور رونق اقتصادی است.

4- مدل رفاهی⁴: وابستگی زیادی به دولت دارد و نگرشی منفی به سرمایه داران کلان وجود دارد». (ایمانی جاجرمی، 1387: 8-10)

مشاهده می‌شود که محققان و مراکز علمی مختلف هر کدام ویژگیهای خاصی را برای حکمروایی خوب در نظر گرفته اند، و مدل‌هایی را از آن استنباط نمودند. اما در مورد شاخص‌ها، آنچه اکنون مورد پذیرش قرار گرفته و بر روی آن اجماع بیشتری وجود دارد؛ شاخصهایی است که سازمان ملل آنها را معرفی نموده که به تفصیل در زیر بیان شده است:

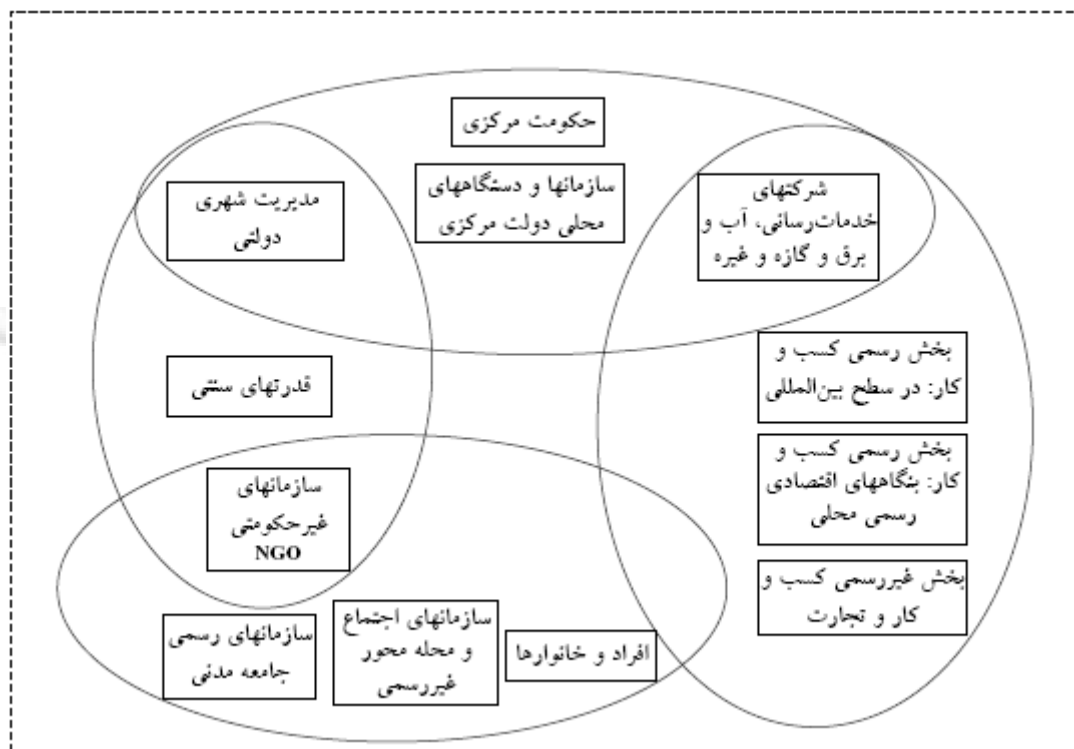
ارکان حکمروایی خوب

اداره مردمی شهر یا مدیریت جامع مردم‌وار بر چهار کنشگر عمده و ارتباط متقابل آنها استوار است که عبارتند از:

- سطح حکومتی
- بخش اقتصادی خصوصی - بنگاههای اقتصادی
- سازمانهای مردم‌بنیاد
- افراد و خانواده‌ها

1 . Managerial
2 . Corporatist
3 . Progrowth
4 . Welfare

کنشگران 4 سطح حکمروایی شهری در ارتباط با هم



(پیران، 1387: 339)

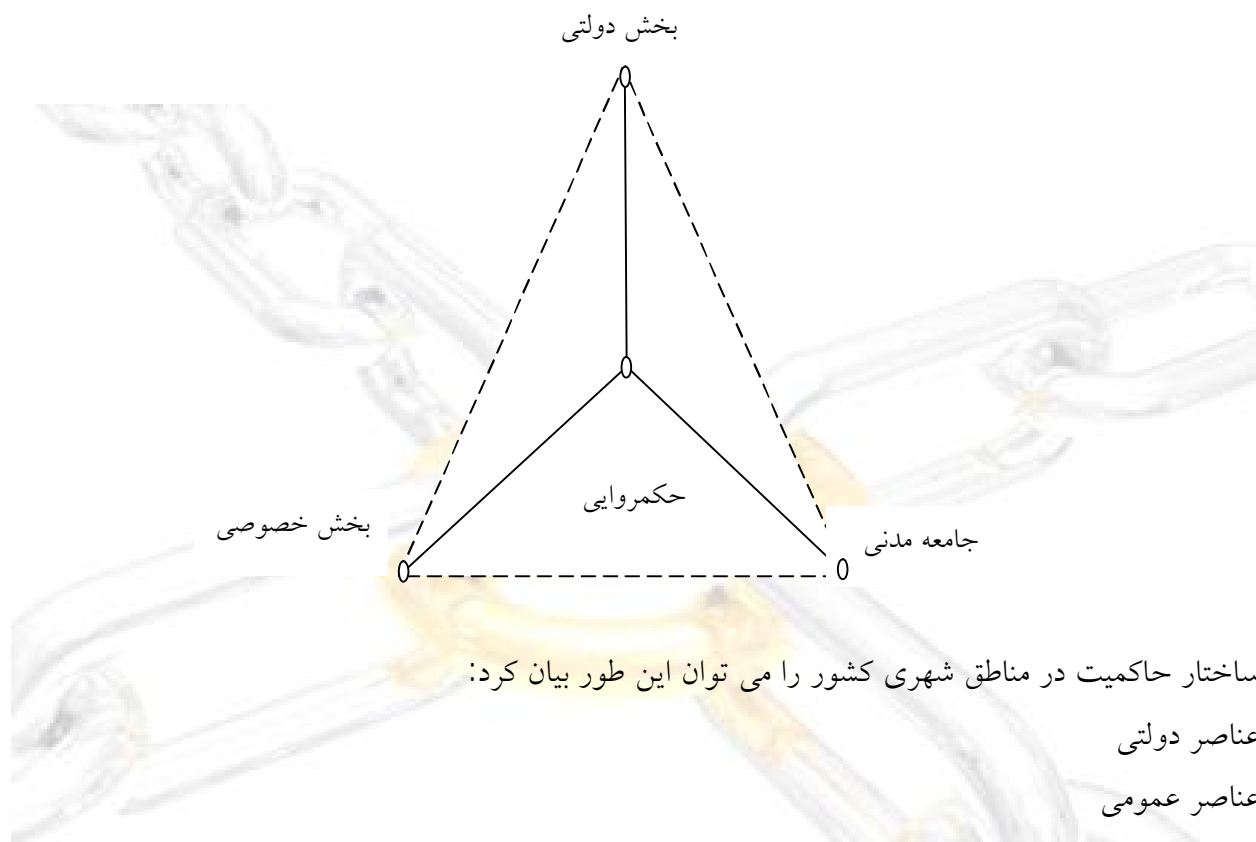
هر یک از این سطوح چهارگانه خود به مؤسسات و کنشگرانی تقسیم می‌شوند که همه با هم و در ارتباط با هم معرفی شده‌اند. بدون همکاری هماهنگ 4 کنشگر اصلی عرصه‌های شهری، اداره مردمی شهر غیرممکن می‌گردد و امکان سلطه یکی از 4 کنشگر بر بقیه فراهم می‌آید. (پیران، 1387: 339-340).

حکمروایی خوب از یک سری ارکان شکل می‌یابد که در جهت شناخت ریشه ای این اصطلاح لازم است به آن پرداخته شود تا با رویکردی جامع نسبت به داوری در رابطه با میزان اعمال حکمروایی اظهار نظر نمود. سه نوع رژیم اصلی در حکمروایی مشارکت دارند. آنها عبارتند از: دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی. همه این سه نوع رژیم نقش اساسی در توسعه پایدار انسانی ایفا می‌کنند. از آنجا که هر یک از این سه نوع رژیم ضعف‌ها و قوت‌هایی دارند، هدف اصلی حکمروایی خوب افزایش بالاترین کنش متقابل میان آنها در جهت به حداقل رساندن نقاط ضعف و به حداکثر رساندن نقاط قوت است. هر چه گفتگو و ارتباط این سه بخش بیشتر باشد، مسیر حرکت جامعه در جهت رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی هموارتر خواهد شد.

هر چه که وابستگی، همبستگی و تعادل بین این سه بخش بیشتر شود، برای جامعه بهتر خواهد بود. (اکبری،

1385:149)

ارکان حکمروایی خوب



ساختار حاکمیت در مناطق شهری کشور را می توان این طور بیان کرد:

عناصر دولتی

عناصر عمومی

عناصر بخش خصوصی

توده های شهروندی و

عناصر مدنی

- عناصر دولتی شهرهای کشور ما متفرق، متعدد و ناهماهنگ هستند.

- عناصر بخش عمومی شهرهای ما (شهرداریها، شوراهای شهری و ...) نیز همانند عناصر دولتی متفرق،

متعدد و ناهماهنگ هستند، علاوه بر آن شدیداً آسیب پذیر و نفوذ پذیر هستند.

- عناصر بخش خصوصی شهرهای ما متفرق، متعدد و با نفوذ غیررسمی هستند.

- توده های شهروندی، پراکنده و فاقد احساس قدرت برای نفوذ در ساختار حاکمیت هستند. به استثنای

شرایطی که شکل و جنبش های مقطعی پدید می آید.

توجه به این موضوع که، نه تنها شهروندان ما مقتدر نیستند بلکه احساس دارا بودن توان تاثیر در تصمیمات شهری را هم در خود نمی بینند، در بحث‌های مدیریتی کشور ما ضروری است.

- عناصر مدنی، در شهرهای کشور ما وجود نداشته یا قابل ملاحظه نیستند. در لیست "NGO" های کشور ما مواردی که به صورت تخصصی کار شهری انجام بدهند وجود ندارد یا انگشت شمارند.

ساختار حاکمیت در مناطق شهری کشور

ویژگی‌ها	نوع حاکمیت
متفرق، متعدد و نا هماهنگ	عناصر دولتی
متفرق، متعدد و نا هماهنگ شدیداً آسیب پذیر و نفوذ پذیر	عناصر عمومی (شهرداریها، شوراهای شهری و ...)
متفرق، متعدد و با نفوذ غیر رسمی	عناصر بخش خصوصی
پراکنده و فاقد احساس قدرت برای نفوذ در ساختار حاکمیت احساس دارا بودن توان تاثیر در تصمیمات شهری را هم در خود نمی بینند.	توده های شهروندی
وجود نداشته یا قابل ملاحظه نیستند عدم وجود یا تعداد کم NGOهای تخصصی در ارتباط با شهر	عناصر مدنی

جمع بندی و پیشنهادات

به طور کلی می توان گفت که ساختار مدیریت شهری کشور ما با دوگانگی در فرم و عملکرد مواجه شده است. فرم رسمی و ظاهری آن به همان الگوی حکومت شهری بحث شده نزدیک است، چرا که تمرکزگراست و سازمان‌ها به صورت عمودی با هم ارتباط برقرار می کنند. اما عملکرد آن به هیچ کدام از آنها شبیه نیست. عملکرد حکومت شهری را ندارد، زیرا فاقد قدرت سیاسی لازم است که به اتکای آن قادر به اداره شهر و پرهیز از اختلال عملکرد شهری نماید. الگوی حکمروایی را نیز نتوانسته پیاده کرده و با اتکا به همگرایی نیروها مدیریت خود را اعمال کند. (همان: 37-38) با توجه به موارد ذکر شده نباید انتظار یک سیستم مدیریتی منظم و خوش کارکرد را داشت. «تا زمانی که ساختار قدرت چنین باشد، خروجی آن نیز وضع موجود خواهد بود.

از بررسی مدل های مدیریت شهری در کشورهای اروپایی و آمریکایی و مطالعه متون قانونی مربوط به مدیریت شهری در ایران چنین استنباط می شود که نوع مدل مدیریت شهری در ایران مدل شورا- مدیر شهر است. (آخوندی و دیگران، 1387: 153)؛ از طرف دیگر ناصر برک پور در رساله دکتری خود، این فرضیه را طرح و اثبات می کند که: «نظام تصمیم گیری و اداره امور شهری، یا نظام کنترل و هدایت توسعه شهری، در شهرهای ایران تاکنون به شکل حکومت شهری بوده و هنوز با الگوی حاکمیت (حکروایی) شهری انطباق نیافته است» (کاظمیان، 1383: 58). در سیستم های حکومتی فدرال که مدیریت محلی از اختیارات و استقلال عمل زیادی برخوردار است شاهد حکومت محلی (local government) هستیم ولی در کشورهایی مثل ایران که حکومت، متمرکز است، به نوعی دارای مدیریت امور محلی هستیم. کشورهای آمریکا، سوئیس و آلمان در دسته اول و ایران و فرانسه در دسته دوم جای می گیرند. (ایمانی جاجرمی: 25)

در نتیجه مهمترین نقاط ضعف مدل رایج در مدیریت شهرهای ایران عبارتند از: عدم تفکیک رهبری سیاسی از مدیریت تخصصی، محدود بودن وظایف نهادهای مدیریت شهری، یکسان بودن مدل اداره امور شهر در تمام شهرهای کشور، ضعف مکانیسم های نظارت و تعادل بخشی در تنظیم رابطه شورا و شهردار، عدم شکل گیری شوراهای محله ای و منطقه ای زیر مجموعه شوراهای شهر و نحوه انتخاب اعضای شورای شهر می باشد. (همان: 136)

مدیریت شهری نمی تواند بستری مستقل و حیطة وسیع عملکردی در ایران داشته باشد و توسط عوامل بالادستی تحت تأثیر قرار می گیرد به همین دلیل در دوران اخیر مدیریت شهری بیشتر بازتاب خواسته های حکومت دولتی بوده است تا خواسته های حکومت محلی و به همین دلیل اعمال مدیریت شهری پیوسته با نوعی اراده دولتی همراه بوده است. (لطیفی، 1387: 57)

(با توجه به مطالب فوق بازنگری در شیوه انتخاب اعضای شورای عالی استان ها به منظور حضور مؤثر و قدرتمند دولت محلی در کنار دولت ملی پیشنهاد می گردد)

در مجموع می توان گفت دو دسته از مشکلات:

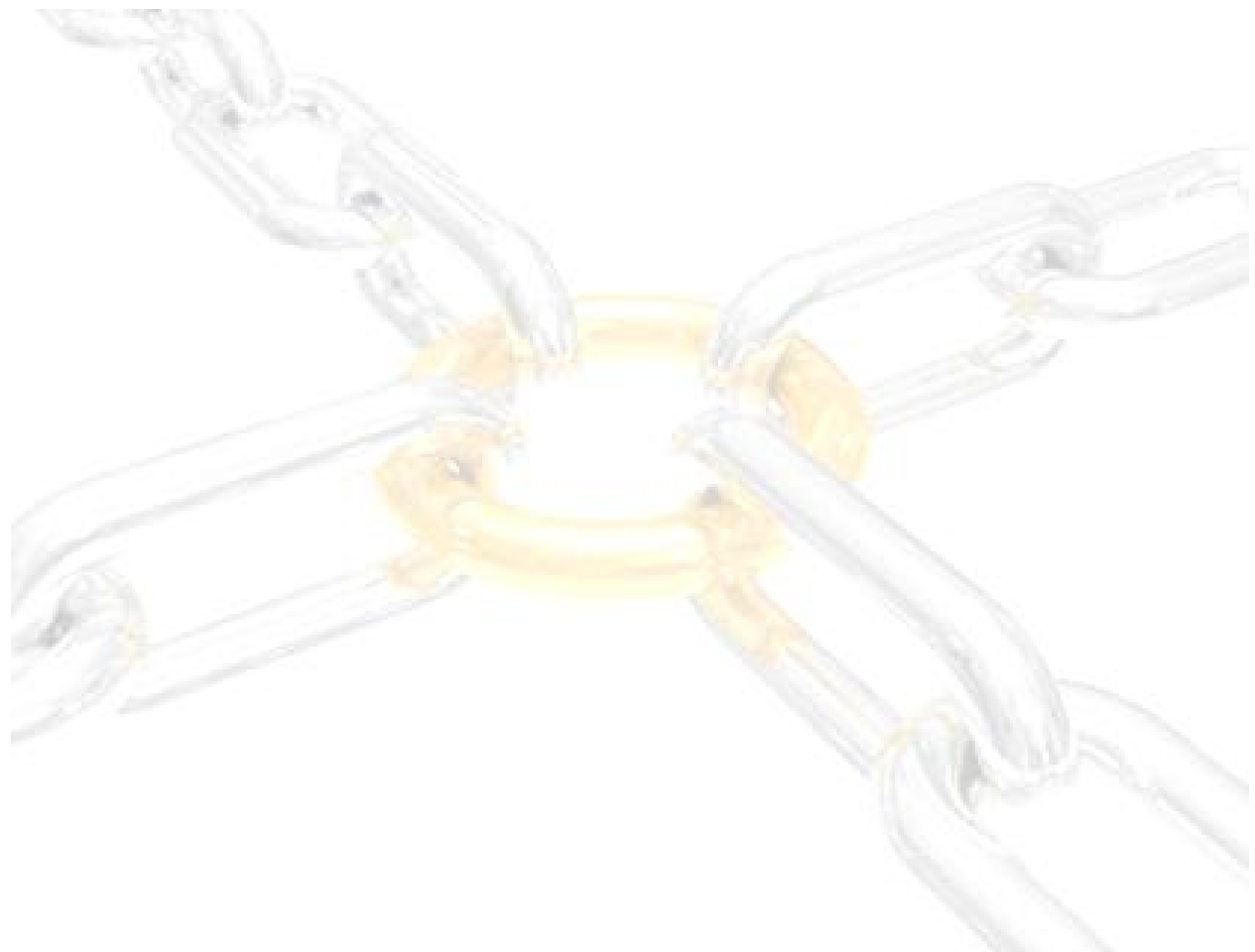
1- مشکلات ساختاری نظام متمرکز حکومتی و ساختار بخشی دستگاه اداری کشور

2- به همراه مشکلات ناشی از عدم ثبات مدیریت در دستگاههای اداری و اجرایی و عدم وجود یک برنامه استراتژیک، دست به دست یکدیگر داده که برنامه ریزی، هماهنگی و توسعه شهری را با چالشهای جدی مواجه کرده است. (رهنما، 1383)

در مرحله بعد آنچه باید صورت پذیرد اجماع در سطح کلان و توسط کارگزاران جهت اجرای حکمروایی خوب است. این امر باید دیر یا زود انجام گیرد چرا که از طرفی شهروندانی آگاه که خواستار سهم شدن در سرنوشت خود هستند، بر لزوم این تصمیم اثر می گذارند. بعد از اجماع ذکر شده باید دو تغییر انجام پذیرد: **یکی تغییرات نهادی** در سطح ملی که باید از ساختارهای ایستا و بعضاً منفعل به سوی ایجاد شبکه‌های همکاری سوق پیدا کند. تغییر دیگر، تغییرات **نهادهای دموکراتیک** است که باید از دموکراسی نمایندگی به دموکراسی مشارکتی گام بردارند. وقتی در سطح کلان جامعه این اعتقاد به وجود آمد که باید به مردم میدان داد و آنها را در امر حکومت و اداره کشور خودشان (در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی) دخیل نمود، آنگاه باید اقدامات مناسب آن را انجام داد. از مهمترین این موارد تمرکززدایی واقعی در ساختار اداری و سازمانی است. اینکه تمرکززدایی چه هست و چه ویژگیهایی دارد، در اینجا مجال بحث نیست اما آنچه مهم است این نکته است که دچار انحراف نشود و فقط به وظیفه‌زدایی و واگذاری چند وظیفه اداری به سازمانهای محلی منحصر نشود، بلکه در صورتی که درست انجام شود باید تفویض اختیار به طور مناسب نیز صورت پذیرد. یا در مورد خصوصی‌سازی نباید منجر به «مخصوصی‌سازی» شود. این امر (تمرکززدایی) می‌تواند سایر عرصه‌ها را نیز فعال نماید، خصوصاً هنگامی که این اعتقاد در جامعه (هم در سطح کلان و هم در خرد) بوجود آید، که باید از دموکراسی نمایندگی به سوی دموکراسی مشارکتی گام برداشت. مجموعه این تغییرات، عرصه‌های دیگر را فعال می‌نماید. عرصه‌هایی چون بخش خصوصی، جامعه مدنی و مردمی را که دیگر پذیرفته شده‌اند، و خودشان نیز پذیرفته‌اند که باید برای اداره جامعه خود، درگیر شوند؛ را به تحرک وامی‌دارد. و اینجاست که یک فضای بسیار پویا به وجود می‌آید.

فضایی که همواره در آن روحیه نقدکردن و نقد شدن وجود دارد و البته که آزادی اطلاعات در آن وجود دارد و پیوسته تقویت می‌شود. از نتایج غیر قابل انکار این فرایند: کاهش فاصله دولت با مردم، ارتقای ظرفیت جامعه مدنی و بخش خصوصی، افزایش امکان نظارت‌های محلی، امکان کنترل قدرت توسط مردم، پاسخگویی مسئولان به مردم و آگاهی فزاینده عمومی و تمایلات مشارکت‌جویانه است. از نتایج این فرایند در سطح ملی می‌توان به بهسازی بیش از پیش کیفیت حکومت، و در سطح بین‌المللی به افزایش مشروعیت و مقبولیت کشور اشاره کرد. حال در صورتی که فرایند ذکر شده (که در واقع می‌توان حکمروایی خوب ملی نامید) به درستی طی شود، به سطح قابل قبولی از حکمروایی دست یافته‌ایم؛ که دو پیامد عمده دارد: ارتقای شرایط زندگی و

مدیریت منابع محدود. اینها هدف نهایی از مدل حکمروایی خوب است، که در نهایت به توسعه پایدار انسانی منجر خواهد شد. از سوی دیگر در صورت استقرار مدل حکمروایی خوب شهری، انتظار می‌رود بهره‌گیری از فضا و خدمت‌رسانی به شهروندان بر مبنای تعامل و بر حسب تعادل نیروهای دولتی، خصوصی و مردمی انجام گیرد. برآیند این تعامل باعث تعادل و همگرایی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و حرکت در راستای توسعه پایدار می‌شود.



منابع:

۱. اکبری، غضنفر، (زمستان ۱۳۸۵)، « سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳، ۱۳۵-۱۵۳
۲. ایمانی جاجرمی، حسین، « مدیریت امور محلی، نظریه ها و تجارب»، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی کمیته آمایش، مسکن و شهرسازی، گزارش هم اندیشی نشست شماره ۱
۳. آخوندی و دیگران (۱۳۸۷)، «آسیب شناسی مدل اداره امور شهر در ایران»، پژوهشهای جغرافیایی شماره ۶۳، صص ۱۳۵-۱۵۶
۴. برادران شرکاء، حمیدرضا (۱۳۸۶)، «تجدید ساختار دولت و اهداف توسعه ای هزاره»، پژوهشکده مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیته پژوهشی برنامه و بودجه، تهران
۵. برک پور، ناصر، (۱۳۸۶)، « حکمروایی خوب شهری و نظام اداره شهرها در ایران»، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، ۴۹۱-۵۱۷
۶. پرهیزگار، اکبر - کاظمیان، غلامرضا، (۱۳۸۴)، « رویکرد حکمروایی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلان شهری تهران»، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۴، ۲۹-۴۸
۱. پیران، پرویز (۱۳۸۷)، «حکمروایی شهری»، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران
۷. پیران، پرویز (۱۳۸۷)، «حکمروایی شهری»، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران
۸. پیران، پرویز (۱۳۸۷)، «حکمروایی شهری»، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران
۹. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، « مدیریت امور محلی، نظریه ها و تجارب»، کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی کمیته آمایش مسکن و شهرسازی، گزارش هم اندیشی نشست شماره ۱ (1387/06/16)
۱۰. رهنما، محمد رحیم (۱۳۸۳)، «طرح مطالعاتی تبیین نقش و جایگاه برنامه جامع میان مدت هماهنگی در توسعه کلانشهرها نمونه: شهر مشهد»، گزارش شماره ۸: مقایسه بین شیوه تعیین مشکلات در برنامه ریزی میان مدت شهرداری (کارکردگرایی) و شیوه شهرسازی مشارکتی
۱۱. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۳)، تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان یابی فضایی، پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس
۱۲. لاله پور، منیژه، (۱۳۸۶)، «حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه»، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، تهران
۱۳. لطیفی، غلامرضا، «مدیریت شهری در ایران محدودیت ها، چالش ها و راه کارها»، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۲۷، ۷۵-۱۰۰